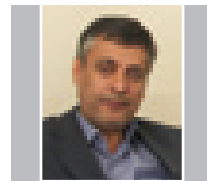


تصویر فضای کسب و کار استان در تحلیل سید مهدی طبیب زاده، دبیر شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی استان؛

نقد مدل و نتایج پایش محیط کسب و کار



سید مهدی طبیب زاده

برای اینکه بتوانیم محیط کسب و کار را خوب بشناسیم، تحلیل کنیم و برای بهبود مستمر آن که لازمه جدی و حتمی توسعه فعالیت‌های اقتصادی در یک منطقه، یک استان، یک کشور می‌باشد برنامه‌ریزی نماییم، اول باید سابقه وجود این مفهوم در اقتصاد جهان و خاستگاه آن را بشناسیم.

مفهوم محیط کسب و کار ابتدا توسط اقتصاد دان پرویی بنام "هرناندو دستوتو" مطرح شد. برخی "دستوتو" را، مشهورترین اقتصاد دان کشورهای جهان سوم می‌دانند بنابراین خاستگاه این مفهوم جهان سوم است و به دلیل شرایط خاص این کشورها و محدودیت‌های فراوانی که در مسیر توسعه اقتصادی دارند معنی و مفهوم پیدا کرد و به عاملی تعیین کننده تبدیل شد. در همان زمان یعنی حدود دهه ۸۰ یک آزمایش راه اندازی یک کارگاه کوچک پوشاک در پرو و در آمریکا انجام دادند علی رغم تلاش بسیار زیاد و رعایت همه مقررات و فقط به دلیل کاغذ بازی‌های اداری و عدم پاسخ به درخواست‌های رشوه بیش از یکسال زمان طول کشید تا این آزمایش انجام شود ولی همین آزمایش در شهر تامپا ایالت فلوریدا در مدت فقط ۲ ساعت و آن هم با پست و تلفن البته با تکنولوژی‌های آن روز طول کشید و این یعنی تفاوت آشکار محیط کسب و کار که دقیقاً تفاوت توسعه یافتگی و عدم توسعه را نشان می‌دهد.

پس لازمه بهبود محیط کسب و کار، شفافیت و فساد زدایی در اقتصاد است. محیط کسب و کارهای پیشرونده و مناسب در کشورهایی که از درجه شفافیت بالایی اقتصادی برخوردارند، وجود دارد و این دو موضوع رابطه مستقیمی با هم دارند.

رتبه‌های اول محیط کسب و کار را ملاحظه نمایم:

- ۱- سنگاپور
- ۲- نیوزیلند
- ۳- دانمارک
- ۴- کره جنوبی
- ۵- هنگ کنگ
- ۶- ایالات متحده آمریکا
- ۷- سوئد
- ۸- نروژ
- ۹- فنلاند
- ۱۰- تایوان

رتبه‌های اول شفافیت را هم ببینیم:

- ۱- دانمارک
- ۲- فنلاند
- ۳- سوئد
- ۴- نیوزیلند
- ۵- هلند
- ۶- نروژ
- ۷- سوئیس
- ۸- سنگاپور
- ۹- کانادا
- ۱۰- آلمان
- ۱۱- لوکزامبرگ

تقریباً نتایج مشابه است. و این نشان دهنده این است که پیچیدگی فرآیندهای انجام فعالیت‌های اقتصادی قوانین متعدد، متنوع، اعمال سلیقه‌ها و بسته بودن محیط اقتصادی نتیجه اش باز دارنده محیط کسب و کار توأم با رشد فساد اداری است و اینجاست که مشخص می‌شود یکی از مولفه‌های تشکیل دهنده کسب و کار باید شفافیت و فساد زدایی در اقتصاد باشد.

ایده‌های "دستوتو"، زمانی مطرح شد که نظریه پردازان و سیاست گذاران اقتصادی جهان بر خصوصی سازی تاکید داشتند اما در این بین دستوتو بیش از همه اقتصاددانان معتقد بود که سیاست گذاری برای رفع موانع بخش خصوصی به عنوان راهبرد اصلی توسعه اقتصادی باید در نظر گرفته شود.

لذا در می‌یابیم محیط کسب و کار و لزوم تلاش جدی برای بهبود مستمر باید در جوامعی که شفافیت لازم در اقتصاد وجود ندارد، فساد اداری گسترده است، مالکیت به عنوان یکی از شرط‌های ضروری کار کرد مناسب اقتصاد بازار به شمار می‌رود مخدوش باشد و اقتصاد گسترده دولتی قدرت رقابت و مجال نفس کشیدن برای بخش خصوصی را از بین برده باشد، معنی و مفهوم و اهمیت می‌یابد.

اما تعریف کسب و کار:

مجموعه عوامل موثر در اداره یا عملکرد بنگاه‌های تولیدی است که خارج از کنترل، تسلط و قدرت مدیران آنها هستند اما بر نتیجه تلاش آنها بسیار موثر است.

کسب و کار به هر نوع فعالیت تکرار شونده و شروع اقتصادی از قبیل تولید، خرید و فروش کالا و خدمات به قصد کسب منافع اقتصادی اطلاق می‌شود. لذا گستردگی محیط کسب و کار و شمولیت آن بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی و اینکه خارج از کنترل و تسلط و قدرت مدیران بنگاه‌ها بوده و بر عملکرد بنگاه بسیار موثر است. نشان می‌دهد که این اصطلاح نو ظهور دارای مفهوم چند بعدی است زیرا عملکرد تقریباً همه دستگاه‌ها و نهاد‌های کشور در آن موثرند از نیروی انتظامی و دادگستری تا شورای فرهنگ عمومی و نمایندگی‌های سیاسی کشور در خارج.

اهمیت محیط کسب و کار به حدی است که اگر بهبود نیابد، حتماً بهبود عملکرد بنگاه‌ها و به طور کلی رشد بخش خصوصی امکان پذیر نخواهد بود.

رویکرد محیط کسب و کار برای تحقق رشد و توسعه اقتصادی این است که تنها خصوصی سازی و اعطای وام به طرح‌های تولیدی و زیرساخت‌ها برای رشد مستمر سرمایه گذاری کافی نیست و نیاز به عامل اساسی دیگری به نام محیط کسب و کار و فضای مساعد سرمایه گذاری است.

محیط کسب و کار در شاخص‌های ۱۰ گانه توسط بانک جهانی در سطح بین المللی اندازه گیری می‌شود که این روش و شاخص‌های تعیین شده برای استفاده در پایش استانی برای ایران ناکارآمد است. که دلیل آن توجه خاص به متن قانون می‌باشد یعنی برای کشورهایی مانند ایران که نظام قانون گذاری مرکزی دارند تفاوت‌های استانی را نشان نمی‌دهد.

پایش محیط کسب و کار و همه جنبه‌های مربوط به عوامل، سیاست‌ها و نهادهایی که بر کیفیت محیط کسب و کار یک کشور تاثیر دارند را در نظر نمی‌گیرد، به عنوان مثال مواردی مثل امنیت، میزان رواج دزدی و رشوه خواری، اندازه بازار، ثبات اقتصاد کلان، کارآمدی سیستم مالی، زیرساخت‌های تجاری برون مرزی، تجارت برون مرزی را که از لحاظ قانونی بر بخش رسمی بار هزینه‌ای دارند در نظر گرفته نمی‌شوند.

لذا شاخص‌های پایش محیط کسب و کار بر اساس روش بانک جهانی به دلایل فوق نمی‌تواند از اعتبار لازم برخوردار باشد گرچه بانک جهانی اخیراً از سال ۲۰۱۵ تغییراتی در شاخص‌ها ایجاد کرده است و در مورد اقتصادهای بزرگ

